

## تأثیر واژگانی زبان فارسی بر کُردی کرمانجی خراسان

طواق گلدهی گلشاهی (استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران)

صص: ۱۶۵-۱۴۱

### چکیده

زبان فارسی در سرزمین وسیع ایران از دیرباز مورد استفاده بوده و به علت رسایی، شیوایی و سادگی از نظر دستوری و آوایی، مورد توجه پادشاهان و درباریان بوده و همواره زبان‌های ایرانی دیگر را تحت تأثیر قرار داده است. زبان کُردی که یکی از زبان‌های مهم ایرانی است به سبب نزدیکی به زبان فارسی و همسایگی با آن زبان و رسمی بودن زبان فارسی در بسیاری از مناطق کُردنشین، مانند دیگر زبان‌های ایرانی، تأثیرات فراوانی را از زبان فارسی پذیرفته است. یکی از گویش‌های زبان کُردی که در محیطی فارسی‌زبان، قرار گرفته و احتمال تأثیرپذیری آن گویش از گویش‌های دیگر کُردی بیشتر است، گویش کرمانجی خراسان است که شاخه‌ای از کرمانجی شمالی است. مسأله اصلی در این پژوهش، تأثیر واژگانی زبان فارسی بر گویش کرمانجی خراسان بوده است و هدف، شناسایی کیفیت و میزان تأثیر زبان فارسی از نظر واژگانی بر کُردی کرمانجی خراسانی است و در این راستا از روش تحقیق میدانی - کتابخانه‌ای و ابزار پرسشنامه و مصاحبه بهره گرفته شده است. از بررسی واژه‌های پربسامد و پرکاربرد کرمانجی خراسان، این نتیجه حاصل شده که زبان فارسی بر این گویش، اثرگذار بوده اما این تأثیرات، اندک بوده است. از مجموع ۳۴۲ واژه بررسی شده که در گویش کرمانجی خراسانی رایج است، تعداد ۲۳ واژه آن از زبان فارسی وام گرفته شده است. بر این اساس، نسبت واژه‌های فارسی در حوزه‌های بررسی شده در کرمانجی خراسان (۶.۷۲٪) است.

**کلیدواژه‌ها:** تأثیر واژگانی، زبان فارسی، زبان کُردی، کرمانجی شمالی، کرمانجی خراسان.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹

پست الکترونیکی:

1. tavagh.golshahi@gmail.com

## ۱. مقدمه

زبان فارسی در تاریخ خود در سرزمین ایران و گاه، بیرون از مرزهای ایران رواج داشته و بر زبان‌های ایرانی و غیر ایرانی، اثرگذار بوده است. تأثیر زبان فارسی بر زبان‌های ایرانی به این دلیل که از یک ریشه برخوردارند بیشتر بوده است. یکی از زبان‌های مهم ایرانی که تحت تأثیر زبان فارسی قرار گرفته، زبان کُردی است که به شاخه‌های گوناگونی تقسیم می‌شود از جمله کُرمانجی شمالی، کُرمانجی میانه، اردلانی، کلهری و گورانی. یکی از گویش‌های شاخه کُرمانجی شمالی، کُرمانجی خراسانی است که گویندگان آن، بیشتر از کُردهای دیگر با فارسی-زبانان در ارتباط بوده و در محیطی فارس‌زبان بوده‌اند. قرارگرفتن کُردهای خراسان در میان فارسی‌زبانان و قطع ارتباط با هم‌زبانان خود در مدت چند قرن، احتمال تأثیر زبان فارسی را بر آن گویش بیش از گویش‌های دیگر افزایش داده است. پژوهش حاضر، در صدد است تأثیر واژگانی زبان فارسی را بر کُردی کُرمانجی خراسانی بررسی نماید. تحقیق در این زمینه می‌تواند در پژوهش‌های زبانشناسی مفید واقع شود و در راستای کشف رازهای نهفته تغییرات گونه‌های معنایی در آن دو زبان، گامی به جلو بردارد. پژوهش‌هایی از این نوع در همه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی داخل و خارج ایران، امری بسیار ضروری است زیرا هنوز در زمینه‌های دستور تاریخی و نحوه تغییرات تاریخی واژگان و دستور زبان‌های ایرانی، پژوهش‌های زیادی باقی مانده تا انجام شود و علل آن تغییرات بررسی گردد. تحقیقاتی جامع برای ضبط و شناسایی تمام زبان‌ها و گویش‌های ایرانی در این زمان از مهمترین واجبات زبانشناسان و فرزاندگانی است که در زمینه زبان‌های ایرانی فعالیت می‌کنند به ویژه که در دوران مدرن، سیستم آموزش و پرورش جدید به گونه‌ای است که زبان‌ها و گویش‌های زیادی را با خطر از بین رفتن، مواجه ساخته است. از بین رفتن زبان‌ها و گویش‌های ایرانی - که به سبب سیستم آموزشی مدرن، امری شبه حتمی است - ضرری جبران‌ناپذیر به پژوهش‌های زبانشناسی خواهد رساند؛ همان‌طور که از بین رفتن زبان‌های قدیمی و تدوین نشده ایرانی مانند «ایرانی باستان» محققین را واداشته است تا از روی اجتهاد به کمک شواهد و قرائن از زبان‌های هم‌خانواده به بازسازی آن پرداخته، سپس آن را مورد مطالعه و تحقیق قرار دهند (ابوالقاسمی، ۱۳۷۷: ۱). بسیار واضح است که چنین اجتهاداتی خالی از مشکل نخواهد بود و نتایج دقیق و اطمینان‌بخشی را نخواهد داشت اما با ضبط و نگهداری زبان‌ها و گویش‌های ایرانی موجود، گنجینه عظیمی از اطلاعات زبانشناسی ایرانی در اختیار محققین قرار خواهد گرفت که در حل بسیاری از معضلات، راهگشا خواهد بود.

این پژوهش، گام کوچکی در زمینه مقایسه گویش گرمانجی خراسانی با زبان فارسی است و به علت کمبود منابع با دشواری‌های زیادی، همراه بوده است. متأسفانه تعداد چشم‌گیری از گرمانج‌های خراسان، تسلط چندانی بر زبان مادری ندارند و این امر، بررسی دقیق زبانشناختی این گویش را دشوار کرده است. با این وجود، بیشتر تلاش بر آن بوده است که زبان روزمره مردم گرمانج خراسان مورد بررسی قرار گیرد؛ زبانی که به طور عمومی در میان آن‌ها کاربرد دارد نه زبان ادبی و تخصصی. البته در مواردی پرداختن به متون ادبی نیز ضرورت داشته است. از میان مصاحبه‌شدگان، افراد مسلط بر زبان مادری و متخصص در زبان کردی وجود دارد؛ اما بیشتر، کسانی مورد توجه بوده‌اند که فقط بر زبان محاوره‌ای گویش گرمانجی خراسانی تسلط دارند، به دلیل آن که احتمال تأثیرپذیری از گویش‌های دیگر کردی مانند گرمانجی شمالی در آن دسته از مصاحبه‌شدگان که بر آن گویش‌ها تسلط دارند بیشتر بود و در آن صورت، نتیجه به دست آمده با واقعیت مطابقت نمی‌کرد. بدین جهت بیشتر در تصحیح خطاها و موارد مشکوک از آن دسته از مصاحبه‌شدگان استفاده شده است و بخش اصلی اطلاعات از گرمانج‌های ناآگاه به گویش‌های دیگر کردی جمع‌آوری شده است. البته نباید فراموش کرد که تحقیقات میدانی بر اساس استقرای ناقص انجام می‌گیرد که به نتیجه کاملاً دقیق و بدون اشکال نمی‌انجامد، اما در این گونه موارد، استقرای ناقص، قابل اطمینان است زیرا بهترین منبع برای بررسی هر زبانی، سخنان و جملات اهل آن زبان است.

نهایت تلاش در این پژوهش، بر آن بوده است که مواردی برای بررسی انتخاب گردد که در بین دو زبان کردی و فارسی مشترک نباشد، زیرا مشترکاتی را که هر دو زبان هم‌خانواده از زبان‌های باستانی به ارث برده‌اند نمی‌توان جزو تأثیرات یکی از زبان‌ها بر دیگری قلمداد کرد. همچنین به دلیل آن که گرمانجی خراسانی، شاخه‌ای از گرمانجی شمالی است، موارد مشترک به ویژه میان فارسی و گویش گرمانجی شمالی حذف گردیده است. ملاک مشترک بودن کلمات فارسی و کردی نیز وجود آن واژگان در زبان روزمره، متون ادبی و فرهنگ‌های زبان بوده است؛ در صورتی که واژه‌ای فارسی در متون ادبی کردی، موجود بوده باشد، اما در زبان گفتاری مردم کرد و فرهنگ‌های واژگان کردی وجود نداشته باشد، آن واژه، جزو مشترکات به حساب نیامده و به عنوان واژه‌ای فارسی معرفی گردیده است.

موقعیت جغرافیایی مناطق گرمانج‌نشین خراسان، طوری است که از شمال و غرب با روس‌ها و ترکمن‌های ترکمنستان و ایران و در جنوب و شرق نیز با فارس‌ها و تاجیک‌های ایران و افغانستان در ارتباط بوده‌اند. در ابتدا نیز با ازبک‌ها از مناطق شمالی و شمال شرقی، روابط پرفراز و نشیبی داشته‌اند. این امر باعث شده است که واژگانی از ترکی، روسی و فارسی وارد زبان گرمانج‌های خراسان شود. برای شناخت زبان اصلی واژگان، تمام زبان‌های مذکور بررسی شده است، مانند فارسی، روسی، ترکی استانبولی، ترکمنی، ترکی آذربایجانی حتی بلاروسی، قزاقی و مغولی و در صورتی که واژه‌ای در هیچ‌یک از زبان‌های مذکور و زبان عربی و فارسی نیز موجود نبوده باشد، آن واژه، گردی محسوب شده است اگرچه در گویش‌های دیگر گردی نیز موجود نبوده باشد. در میان واژگان، چندین مورد وجود دارد که فقط در گرمانجی خراسانی موجود است و در گویش‌های دیگر گردی و زبان‌های مذکور، اثری از آنها نیست. این گروه واژگان، جزو کلمات ویژه گردی خراسانی شمرده شده‌اند.

## ۲. پیشینه پژوهش

در زمینه معرفی گویش گرمانجی خراسانی و ارتباط و تأثیرپذیری آن از زبان فارسی، پژوهش‌های بسیار اندکی انجام گرفته است. پژوهش‌هایی به زبان‌های روسی، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی در خصوص گرمانجی خراسانی نوشته شده است که بیشتر جنبه توصیفی دارند و در حد یک معرفی اجمالی گرمانجی خراسانی هستند و خالی از لغزش نیز نیستند. هوتوم شیندلر<sup>۱</sup> (۱۸۸۴) در مقاله‌ای به زبان آلمانی تحت عنوان "Beitroge zum kurdischenwortschatz" (مشارکت در واژگان کردی) واژه‌هایی از گرمانجی خراسان رایج در عمارلو آورده است. ایوانف<sup>۲</sup> (۱۹۲۷) در مقاله‌ای با عنوان "Notes on khorasani Kurdish" (یادداشت‌هایی درباره گردی خراسانی) درباره آواشناسی و ساخت واژه این گویش، توضیحاتی آورده است.

در ایران نیز تحقیقاتی صورت گرفته که بیشتر در حیطه آوایی بوده است:

اسدی مصطفالو (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان «بررسی مقابله‌ای سطوح زبانی بین گویش گرمانجی و فارسی معیار» گویش گرمانجی و سطوح زبانی آن را از نظر زبان‌شناسی با

1- Hutum-schindler

2- W.ivanov

فارسی معیار به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار داده است. آژند (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی و توصیف ساخت آوایی گویش قوچان» به نحوه ساخت آوایی در گویش کرمانجی خراسانی، به ویژه قوچان پرداخته است. تقوی (۱۳۹۱) در تحقیق خود تحت عنوان «مقایسه نظام‌های حالت‌دهی گویش کرمانجی با فارسی معاصر» به مشخصه صرفی و نحوی مسمی به نظام حالت‌دهی ارگتیو در گویش کرمانجی پرداخته است. چوپانی عسگرآباد (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی ساخت دستوری گویش کردی کرمانجی قوچان از دیدگاه رده-شناسی زبان» رده‌شناسی ساختمان جمله، گروه‌های نحوی، ساخت‌واژه تصریفی و ساخت‌واژه اشتقاقی کرمانجی خراسانی به ویژه گویش قوچانی را مورد بررسی قرار داده است. حسن پور امیری گلیان (۱۳۷۴) در پایان‌نامه خود تحت عنوان «واژه‌نامه ریشه‌شناسانه گویش کردی کرمانجی شیروان خراسان همراه با توصیف صوتی آن» واژه‌نامه کوچکی از واژگان پرکاربرد کرمانجی خراسانی به ویژه شیروان، گردآوری نموده است. این تحقیق، با وجود این که اطلاعات مفیدی در خصوص واژگان گویش کرمانجی خراسانی به دست می‌دهد، به جنبه ریشه‌شناسی نپرداخته و در موارد اندکی معادل پهلوی واژگان را ذکر نموده است. رضایی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مقابله‌ای نظام آوایی زبان فارسی و کرمانجی خراسان و کاربردهای آموزشی آن» به جنبه‌های آوایی گویش کرمانجی خراسانی پرداخته است. مصطفوی گرو (۱۳۸۶) در مقاله خود تحت عنوان «بررسی تاریخی نظام آوایی گویش کرمانجی خراسان» جنبه آوایی گویش کرمانجی خراسانی را مورد بررسی قرار داده است. قنبری بگلر و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی تفاوت‌های گویش کرمانجی بیگلر با گویش‌های کرمانجی مجاور» به تغییرات آوایی، صرفی و نحوی گویش کرمانجی بیگلر در مقایسه با گویش کرمانجی مناطق هم‌جوار پرداخته‌اند. از جمله عوامل تفاوت این گویش با گویش‌های دیگر کرمانجی آن منطقه، تأثیر زبان فارسی بر آن است، اما این بررسی در مورد تمام گویشوران کرمانجی خراسانی صدق نمی‌کند؛ بنابراین تحقیقی شامل و جامع‌تر باید صورت گیرد. امامی و سبزه (۱۳۹۲) در مقاله خود تحت عنوان «مقایسه نظام آوایی گویش کرمانجی خراسانی و کردی ایلام» به تغییرات آوایی دو گویش زبان کردی و تفاوت هرکدام از آن‌ها با یکدیگر پرداخته‌اند.

با توجه به اهمیت شناخت زبان‌های ایرانی و ضرورت کشف ریشه هر یک از آنها و میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر یکدیگر، تحقیق و بررسی مقابله‌ای زبان‌های ایرانی بسیار ضروری است و به دلیل اینکه در زمینه تأثیر زبان فارسی بر گُرمانجی خراسانی تا کنون پژوهشی انجام نگرفته است پژوهش حاضر ضروری بوده و می‌تواند در راستای مقایسه زبان‌های ایرانی سودمند و راهگشا باشد.

### ۳. روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی و بر پایه داده‌های میدانی-کتابخانه‌ای بوده و بیشتر مطالب مربوط به واژه‌های گُرمانجی خراسانی به طور میدانی و از طریق پرسشنامه‌های جامع، از گویندگان آن گویش پرسیده شده است. در موارد زیادی نیز اطلاعات مورد نیاز به صورت مصاحبه حضوری از گُرمانج‌های خراسان دریافت گردیده است. پژوهش حاضر به بررسی واژه‌های این گویش پرداخته و از یک سو با گُرمانجی شمالی و گویش‌های دیگر گُردی و از سوی دیگر با زبان فارسی، مقایسه‌ها و تطبیقات لازم صورت گرفته است. بنابراین پژوهش حاضر را می‌توان تحقیقی مقایسه‌ای - تطبیقی برشمرد.

### زبان گُردی و شاخه‌های آن

زبان گُردی، شاخه‌ای از مجموعه زبان‌های هند و ایرانی است که آن هم زیر مجموعه زبان‌های هند و اروپایی است. مجموعه زبان‌های ایرانی به سه بخش شمالی، جنوبی و شرقی تقسیم می‌شود که زبان گُردی، زیر مجموعه بخش اول است (حهمه خورشید، ۱۹۸۵: لا ۲۲). بنابه گفته مرحوم *ملک الشعراى بهار* نظر برخی از زبان‌شناسان بر آن است که زبان گُردی شاخه‌ای از زبان اوستایی - مادی است. وی می‌گوید:

«بعضی از دانشمندان را عقیده چنانست که گائۀ زردشت بزبان مادی است و نیز

برخی بر آنند که زبان گُردی یکی از شاخه‌های زبان ایرانی است از باقیمانده‌های

زبان ماد است». (بهار، ۱۳۸۹ ج ۱: ۵)

چنانچه این نظر، پذیرفته شود، زبان گُردی را نمی‌توان شاخه‌ای از زبان فارسی برشمرد زیرا زبان فارسی نو، ادامه فارسی میانه و فارسی باستان است که هرکدام از آنها مانند زبان اوستایی، شاخه‌ای از زبان‌های ایرانی هستند. برخی از زبان‌شناسان و شرق‌شناسان مانند

سدنیسمیث<sup>۱</sup>، ساسین<sup>۲</sup> و جستی<sup>۳</sup> بر این باورند که زبان کردی، شاخه‌ای از زبان فارسی نیست و نظام آوایی و صرفی کردی از فارسی، متمایز است. ساسین بر این عقیده است که زبان کردی نه تنها شاخه‌ای از زبان فارسی و پهلوی نیست، بلکه آن دو زبان از یک شاخه هم نیستند و رابطه میان آن‌ها به روزگاران بسیار دور برمی‌گردد (حهمه خورشید، ۱۹۸۵: لا ۱۴). بهار نیز در اظهار نظر خویش در مورد زبان کردی، به نوعی، این نظر را تأیید می‌کند و زبان کردی را از جمله دیرینه‌ترین زبان‌های ایرانی برمی‌شمرد و می‌گوید:

«زبان و آداب آن مردم از دیرینه‌ترین زبان و آداب ایرانی است، و شعر کردی

یکی از اقسام پنج هجائی قدیم است، و لغات آن قوم نیز یکی از شاخه‌های زبان

ایرانی است...» (بهار، ۱۳۸۹ ج ۱: ۵)

زبان‌شناس کرد، حهمه خورشید زبان کردی را یکی از شاخه‌های زبان‌های ایرانی شمالی می‌داند و زبان فارسی را جزو زبان‌های جنوبی ایرانی (حهمه خورشید، ۱۹۸۵: لا ۲۲). آساتوریان، ایران‌شناس و کردشناس ارمنی نیز زبان کردی را زیرشاخه زبان‌های شمال غربی ایرانی می‌داند (Asatryan, 2009:5).

در هر صورت، زبان کردی یکی از شاخه‌های زبان‌های ایرانی است و در آن شک و تردیدی نیست. زبان کردی به شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شود که زبان‌شناسان، اتفاق نظری در مورد آن ندارند و با روش‌های گوناگونی آن را تقسیم کرده‌اند. به عقیده حهمه خورشید گویش‌های کردی عبارتند از: ۱. کرمانجی شمالی ۲. کرمانجی میانه ۳. کرمانجی جنوبی ۴. گورانی. (حهمه خورشید، ۱۹۸۵: لا ۳۸). ژان ژاک دو مورگان، زبان‌شناس و مستشرق فرانسوی، گویش‌های کردی را چنین دسته‌بندی می‌کند: ۱. مَکری ۲. گروسی ۳. ایزدی بایزید ۴. صحنه‌ای ۵. کرمانشاهی ۶. هورامی ۷. جافی ۸. رِژابی ۹. سلیمانیه‌ای ۱۰. لکی ۱۱. خوژاوندی (دو مورگان، ۱۳۹۶: ۲۸-۲۵). مکنزی گویش هورامی (گورانی) را مستقل از کردی می‌داند. او در کتاب دو جلدی خویش با عنوان «مطالعات گویش کردی<sup>۴</sup>» بدان پرداخته است، بلکه کتاب مستقلی تحت عنوان «گویش هورامی<sup>۵</sup>» درباره آن نوشته و در آن کتاب، گویش

1- Sedney Smith

2- Socin

3- Justi

4- Kurdish dialect studies

5- The dialect of Awroman

مذکور را غیرکردی می‌داند (مکنزی، ۱۹۹۶: ۵-۴) اُرانسکی نیز گویش‌های گورانی و زازا را غیرکردی می‌داند (اُرانسکی، ۱۳۵۸: ۳۱۱۱).

با وجود اختلافاتی که ذکر شد، گویش کرمانجی بنا بر نظر تمام زبان‌شناسان یکی از گویش‌های مهم زبان کردی است و در این مورد اتفاق نظر میان زبان‌شناسان وجود دارد. گویش کرمانجی خراسانی یکی از زیرمجموعه‌های گویش کرمانجی شمالی است.

### کرمانجی خراسانی

کرمانج‌های خراسان، مجموعه‌ای از ایلاتِ کُرد هستند که در زمان شاه عباس صفوی و به دستور وی از مناطق مختلف کردستان به شمال خراسان منتقل شدند که عمده آن‌ها از کرمانج‌های کردستان ترکیه هستند. واژه کرمانج، بیشتر بر گُردهایی اطلاق می‌شود که به شاخه کرمانجی شمالی تکلم می‌کنند و هرگاه واژه کرمانجی به صورت مطلق و بدون قید به کار برود بر شاخه کرمانجی شمالی دلالت می‌کند. چون اکثر ایلاتی که به خراسان منتقل شدند از گُردهای کرمانج بوده‌اند. کلمه کرمانج بر همه آن‌ها و کرمانجی بر گویش آن‌ها اطلاق می‌شود؛ در حالی که در میان آنان، ایلات و خانوارهایی از گُردهای غیر کرمانج وجود دارد.

قرائینی از کتاب حرکت تاریخی کُرد به خراسان اثر توخدی، مورخ و پژوهشگر تاریخ و فرهنگ کرمانج‌های خراسان، نشان می‌دهد که برخی از ایل‌هایی که به خراسان مهاجرت نموده‌اند غیرکرمانج و از گُردهای زنگنه، اردلان، بابان و ... بوده‌اند. وجود تعداد چشمگیری از گُردهای مکرری در میان کوچندگان کُرد به خراسان نیز دلیلی دیگر بر وجود گُردهای غیر کرمانج به معنای خاص است.

توخدی در کتاب خود از ایلی در میان کرمانج‌های خراسان نام می‌برد به نام کانی مشکان، سپس اسم ایل مذکور را برگرفته از اسم کانی مشکان سنندج معرفی می‌نماید و اظهار می‌کند که آن ایل به وسیله نادرشاه از سنندج به خراسان منتقل شده‌اند. (توخدی، ۱۳۵۹ ج ۱: ۵۰۰) در همان صفحه از وجود ایلی به نام بوانلو نام می‌برد که خود نویسنده آن را تغییر یافته بوان و بابان می‌داند. معلوم است که گُردهای سنندج و اطراف آن، کرمانج نیستند و فقط گویش‌های اردلانی، گورانی و کلهری در آن منطقه وجود دارد. بابان هم اسم سلسله‌ای از اُمرای کُرد است که در مناطق شهرزور ملت زیادی حکومت کردند و شهر سلیمانیه کردستان عراق توسط آنان بنا شد. آشکار است که بابان‌ها، کرمانج به معنای خاص نبوده‌اند.

نویسنده کتاب حرکت تاریخی گُرد به خراسان، نمودار درختی گُردهای خراسان را در کتاب خویش آورده‌اند که به روشنی وجود ایلات غیر گُرمانج را در میان گُردهای خراسان نشان می‌دهد. در کتاب مذکور از ایلی به نام گورانلو (همان: ۸) نام برده شده است که از نامش چنین برمی‌آید که برگرفته از کلمه گوران باشد که اسم یکی از شاخه‌های زبان کردی است و بیشتر گوران‌ها در مناطق جنوبی و شرقی مناطق گُردنشین زندگی می‌کنند. وجود طایفه‌ای به نام گورانلو این امر را محتمل می‌کند که برخی از گُردهای گوران نیز در آن حرکت تاریخی به خراسان کوچ کرده باشند و به نظر می‌رسد ایل گورانلو از گُردهای گوران باشند.

بنا به گزارش توخدی بخشی از گُردهای خراسان از گُردان مکری هستند که در مهاباد و اطراف آن به خراسان مهاجرت نموده‌اند. قابل ذکر است که گُردهای مکری گُرمانج به معنای خاص نیستند. مؤلف کتاب مذکور می‌گوید:

«گُرمانج خراسان که قسمت مهمی از تیره گُرمانج خلق گُرد می‌باشد دیگر شاخه‌های گُرد از قبیل شکاک و مکری را نیز دربر می‌گیرد که این شاخه‌ها اکثراً در غرب کشور و حدود ترکیه مانده‌اند.» (همان: ۱۲)

در نمودار ایلات گُرد از کتاب مذکور، اسم‌هایی به چشم می‌خورد از قبیل جافکانلو و خلکانلو که احتمال دارد اسم ایل اولی از کلمه جافکان (جافه‌کان) گرفته شده باشد؛ این کلمه به معنی جاف‌ها است که اسم ایلی بزرگ است و بیشتر در کردستان عراق ساکنند و بعضی از آن‌ها در کردستان ایران سکونت دارند. این طایفه به گویشی نزدیک به اردلانی سخن می‌گویند. اگر ثابت شود که این اسم برگرفته از کلمه جافکان است، روشن می‌شود که خانوارهایی از ایل جاف در میان گُردهای خراسان وجود دارد. کلمه خلکانلو را شاید بتوان برگرفته از شهرستان خلکان دانست که در چند کیلومتری شهرستان دوکان در غرب استان سلیمانیه کردستان عراق واقع شده است.

یکی از سرداران گُرد خراسانی در دوران شاه تهماسب صفوی شخصی به نام کچل قباد کلهر است که از نامش پیدا است از گُردهای کلهر است. (همان: ۲۵)

اگر تحقیقات تاریخی نیز کفایت نکند برای اثبات وجود گُردهای غیر گُرمانج، از بررسی گویش گُرمانجی خراسانی این امر کاملاً روشن می‌گردد.

در این پژوهش، در بسیاری از جاها واژه‌های گویش‌های میانی، جنوبی و شرقی گُردی به چشم می‌خورد.

#### ۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، برای بررسی واژه‌های کُرمانجی خراسانی، از واژه‌های پربسامد کُرمانجی که در زندگی روزمره، مورد استفاده قرار می‌گیرند نمونه‌گیری شده است تا میزان تأثیر زبان فارسی بر آن گویش، آشکار گردد و تا آن جا که ممکن بوده تلاش شده است نمونه‌گیری بر اساس یک فهرست‌بندی منطقی صورت گیرد که واژه‌های رایج کُرمانجی خراسانی را دربر گرفته، با واژه‌های فارسی مقایسه گردد. هرکدام از بخش‌هایی که برای تحقیق در خصوص تأثیر واژه‌های فارسی بر گویش کُرمانجی خراسانی در نظر گرفته شده بر اساس حروف الفبا ارائه شده است. در ادامه نیز تأثیر کنایات و ترکیبات عامیانه فارسی بر گویش کُرمانجی خراسانی مورد بررسی قرار گرفته است.

#### - آجیل

واژگان زیر فهرستی از اسامی پرکاربرد آجیل در زبان فارسی و گویش کُرمانجی خراسانی است:

فارسی	کُرمانجی خراسانی	زبان اصلی
بادام زمینی	baɫam zamini, baɫam xaki	مشترک میان گُردی و فارسی.
تخمه	dana, dnik, dandk	گُردی.
کشمش	1. turjk, 2. ?imiʃ, 3. Kişmiş	۱ و ۲. گُردی. ۳. مشترک میان گُردی و فارسی.
گردو	giwiz, giz	گُردی.
مویز	=	فارسی.
نخود	noxod	پهلوی. <sup>۲</sup>

از فهرست فوق پیدا است که از مجموع (۱۲) واژه، (۱) واژه فارسی، (۱) واژه پهلوی، (۳) واژه مشترک و (۷) واژه گُردی است. در مورد واژه کشمش - که در مناطق مختلف کُرمانجی- نشین خراسان به سه صورت مختلف اسم‌گذاری می‌شود- فقط یک حالت لفظ مشترک

۱- این علامت، جلوی واژه‌هایی گذاشته شده است که در زبان فارسی، متداول هستند و عیناً در کُرمانجی خراسانی کاربرد دارند.

۲- د. ن. مکنزی، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ص ۳۱۴

(کشمش) کاربرد دارد و در دو مورد دیگر واژگان (?imif/turfk) به جای (کشمش) به کار می‌رود که این دو واژه، ویژه گویش کرمانجی خراسانی است و در گویش‌های دیگر کردی کاربرد ندارد.

با در نظر گرفتن آمار فوق، نسبت واژه‌های فارسی در این مجموعه واژه، واژگان کردی (۰/۵۹)، واژه‌های فارسی (۰/۸)، واژه‌های مشترک (۲۵٪) و واژه‌های دیگر نیز (۰/۸) هستند.

#### – اعداد

فهرست زیر اعداد فارسی و کرمانجی خراسانی را در برمی‌گیرد. هر چند اختلاف چندانی میان اعداد فارسی و کردی نیست، اما برای بررسی تأثیر زبان فارسی بر گویش کرمانجی خراسانی در نحوه تلفظ اعداد، تهیه این فهرست، ضروری بود.

فارسی	کرمانجی خراسانی	زبان اصلی
یک	lak, lakkɪ	کردی.
دو	didu, du, dudu	کردی.
سه	sisɪ	کردی.
چهار	tʃar	مشترک میان کردی و فارسی.
پنج	pɪndʒ	کردی.
شش	ʃaʃ	مشترک میان کردی و فارسی.
هفت	=	مشترک میان کردی و فارسی.
هشت	=	مشترک میان کردی و فارسی.
نه	nah, noh	مشترک میان کردی و فارسی.
ده	da, dah	مشترک میان کردی و فارسی.
یازده	lanzdah, lanza	کردی.
دوازده	diłanza	کردی.
سیزده	=	مشترک میان کردی و فارسی.
چهارده	tʃardah	مشترک میان کردی و فارسی.
پانزده	panza	کردی.
شانزده	ʃanza	کردی.
هفده	havda	کردی.
هجده	haɜda	کردی.

نوزده	=	مشترک میان کُردی و فارسی.
بیست	=	مشترک میان کُردی و فارسی.
سی	si, si	کُردی.
چهل	tʃal, tʃil	کُردی.
پنجاه	pindʒa, pindʒa	کُردی.
شصت	ʃist, ʃist	کُردی.
هفتاد	hafti	کُردی.
هشتاد	heʃti	کُردی.
نود	=	مشترک میان کُردی و فارسی.
صد	sad, saʎ	مشترک میان کُردی و فارسی. کُردی.
دویست	dossi, dusad	کُردی.
سیصد	sissi, siʃsad	کُردی.
هزار	hazar	مشترک میان کُردی و فارسی.

چنان‌که اشاره شد فرق زیادی میان اعداد فارسی و کُردی وجود ندارد، بلکه اعداد را می‌توان بخشی از مشترکات دو زبان دانست. در فهرست فوق نیز معلوم شد که زبان فارسی هیچ تأثیری بر گویش کُرمانجی خراسانی نگذاشته است و تقریباً در کُرمانجی شمالی نیز اعداد به همان شکل تلفظ می‌شوند، با تفاوت‌هایی بسیار اندک و جزئی.

#### - اعضای بدن

در فهرست زیر تأثیر واژه‌های فارسی بر کُرمانجی خراسانی بررسی می‌شود که برای اسم-گذاری اعضای بدن به کار می‌رود.

زبان اصلی	کُرمانجی خراسانی	فارسی
کُردی.	hani, haniʃk	آرنج
ترکی. <sup>۱</sup>	?angaz	آرواره
کُردی.	biri, biri	ابرو
پهلوی. <sup>۱</sup>	hasti	استخوان

۱- حاج مراد دوردی قاضی، فرهنگ قاضی (فارسی - ترکمنی)، ص ۵۲۳

کردی.	piʃfik, piʃfi, biʃfik	انگشت
۱. کردی. ۲. پهلوی. <sup>۲</sup>	1. bivil; 2. puz	بینی
کردی.	pani	پاشنه
مشترک میان کردی و فارسی.	piʃt	پشت
کردی.	hani	پیشانی
کردی.	ʃan, ʃani	چانه
کردی.	ʃav	چشم
کردی.	xwin, xin	خون
کردی.	dan, didan	دندان
کردی.	parsu, parsi	دنده
عربی.	fak	دهان
کردی.	rivi	روده
کردی.	ʒani, ʒuni, ʒuni	زانو
کردی.	ziman	زبان
کردی.	s.mil, sinbil	سبیل
کردی.	fatik	شش
کردی.	zig	شکم
کردی.	ʔuskur, ʔusti	گردن
کردی.	gawri	گلو
۱. ترکی. ۲. کردی.	1. qulax; 2. goʃfik	گوش
۱. کردی. ۲. فارسی.	1. gum; 2. lop	گونه
کردی.	liv	لب
کردی.	b.ʒang, piʒang	مژه
۱. مشترک میان کردی و فارسی. ۲. کردی.	1. maxz; 2. miʒa	مغز
کردی.	ninik	ناخن
۱. کردی. ۲. فارسی.	1. navik; 2. naf	ناف

۱- د. ن. مکنزی، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ص ۴۲

۲- همان، ص ۲۱۲

۳- حاج مراد دوردی قاضی، فرهنگ قاضی (فارسی-ترکمنی)، ص ۵۶۳

در فهرست فوق، تعداد (۴۸) واژه بررسی شده است که در گویش کُرمَنجی خراسانی برای نامیدن اعضای بدن کاربرد دارد. از مجموع واژه‌های فوق (۳۹) واژه آن کُردی، (۲) واژه مشترک، (۲) واژه فارسی است و (۵) واژه زبان‌های دیگر نیز وجود دارد. بر اساس اعداد مذکور، نسبت درصد واژه‌های کُردی (۸۱.۲۵٪)، واژه‌های فارسی (۴.۱۶٪)، واژه‌های مشترک (۴.۱۶٪) و واژه‌های زبان‌های دیگر (۱۰.۴۱٪) است.

### -بیماری‌ها

فهرست زیر واژه‌های فارسی را دربرمی‌گیرد که برای نامیدن برخی از بیماری‌ها به‌کار

می‌رود:

فارسی	کُرمَنجی خراسانی	زبان اصلی
تب	qizirma	تُر. <sup>۱</sup>
سَر درد	Sarɪf	کُردی.
شکم‌درد	dil ʔiʃ, zigʔiʃan	کُردی.
دندان‌درد	danʔiʃ, diʔanʔiʃan	کُردی.
دل‌درد	dilʔiʃ, dil ʔiʃan	کُردی.
سُرفه	kixik, koxuk	کُردی.
تبخال	Tawxal	فارسی.
گلودرد	gar ʔiʃan	کُردی.
خون‌ریزی	1. xinrizi; 2. xwinvarjʔin	۱. فارسی. ۲. کُردی.

در فهرست فوق، تعداد (۱۴) واژه در مقابل واژه‌های فارسی به‌کار رفته است که تعداد (۱۱) واژه آن کُردی است، (۲) واژه فارسی و (۱) واژه ترکی است. بر اساس این اعداد، نسبت واژه‌های کُردی (۷۹٪)، واژه‌های فارسی (۱۴٪) و واژه‌های دیگر (۷٪) است.

### -پوشاک و لوازم آرایشی

۱- حاج مراد دوردی قاضی، فرهنگ قاضی (فارسی - ترکمنی)، ص ۲۰۷

کلمات زیر، شامل واژه‌های زبان فارسی است که برای نامیدن پوشاک و لوازم آرایشی به-کار می‌رود. در مقابل واژه‌های فارسی معادل آن‌ها در گویش کرمانجی خراسانی ذکر شده است:

زبان اصلی	کرمانجی خراسانی	فارسی
کردی.	kawn	روسری
۱. کردی. ۲. مشترک میان کردی و فارسی.	1. dixin; 2. filwar	شلوار
کردی.	kuras, kiras	پیراهن
کردی.	hufik qul	آستین کوتاه
کردی.	hufik diriz	آستین بلند
مشترک میان کردی و فارسی.	fwir, fwir	چادر
کردی.	fafaqi; sarpaki; sol	دمپایی
کردی.	sol	کفش
۱. ترکی. ۲. کردی.	1. tasma; 2. salama	کمر بند
فارسی.	=	زیرپیراهن
فارسی.	=	زیرپوش
کردی.	kum, kom	کلاه
کردی.	?angilusk, hangilusk	انگشتر
فارسی.	Gufara	گوشواره
کردی.	x.fti	گردن‌بند
فارسی.	Daman, daman	دامن

در فهرست فوق، مشخص شد که از مجموع (۱۶) واژه بررسی شده که در مقابل (۲۵) واژه کرمانجی خراسانی گرد آوری شده است، تعداد (۱۶) مورد از واژه‌های مورد استفاده در گویش کرمانجی خراسانی کردی است، تعداد (۵) واژه فارسی، (۳) واژه مشترک و واژه‌های دیگر نیز (۱) عدد است. بدین ترتیب، نسبت (۶۴٪) واژه‌های فوق کردی است، (۲۰٪) فارسی، (۱۲٪) مشترک و (۴٪) هم واژه‌های ترکی است.

## جانوران

نام‌های زیر، واژه‌های زبان فارسی هستند که برای نامیدن برخی از جانوران به کار می‌روند:

فارسی	گرمانجی خراسانی	زبان اصلی
آهو	1. kivi; 2. dʒaʎran	گُردی.
اسب	1. hasp; 2. ʔalaʃa; 3. ʎawu	۱. مشترک میان گُردی و فارسی. ۲. روسی. ۳ <sup>۱</sup> .
برّه	barx	گُردی.
بُز	bizin	گُردی.
پرستو	1. duʃ qafʃi; 2. qifʃtik	گُردی.
پروانه	1. minminik; 2. pilpilik; 3. parparik	گُردی.
پشه	piʃa, paʃa	مشترک میان گُردی و فارسی.
خرچنگ	1. xarʃang; 2. kivʒing	۱. فارسی ۲. گُردی.
خرس	hirʃ	گُردی.
خرگوش	kargo, kargi	گُردی.
خروس	dik	عربی.
خوک	xinzir	عربی.
روباه	rovi, rivi	گُردی.
سوسک	1. ʃuʃik; 2. kurmaraf; 3. dʒidʒidisk	۱. فارسی ۲ و ۳. گُردی.
شتر	dava	ترکی. ۲
شغال	ʃaqal	گُردی.
کبک	kaw	گُردی.
گنجشک	ʃuʃik, dʒiwidʒik	گُردی.
کبوتر	kaftar	مشترک میان گُردی و فارسی.
کرکس	karxor	گُردی.
گاو	gah, manga	گُردی.
گرگ	gur	گُردی.
گوساله	golik	گُردی.

۱- م. ی. رادویلسکی، فرهنگ فارسی به روسی، ص ۴۷. این واژه در زبان روسی بدین شکل است.

| lošad' | лошадь

۲- دکتر محمد کانار، فرهنگ جامع فارسی به ترکی استانبولی، ص ۳۸۲

گوسفند	paz	کردی.
ماهی	masi	کردی.
مرغ	mirifık	کردی.
مگس	mıf	کردی.
ملخ	minik, kuli, kulik	کردی.
مورچه	miri	کردی.
موش	mıfık	کردی.
لاک-	kisi, kiwisi	کردی.
پشت		
گربه	pişik, pisik	کردی.

در فهرست فوق، از مجموع (۵۰) واژه، تعداد (۳۹) مورد، کردی است، (۲) واژه فارسی، (۴) واژه مشترک و (۴) واژه از زبان‌های دیگر است. بر این اساس، (۸۰٪) واژه‌ها کردی است، (۴٪) واژه‌ها فارسی، (۸٪) آن مشترک و (۸٪) آن دخیل است.

#### -خویشاوندان

فهرست زیر، دربردارندهٔ واژه‌هایی است که در زبان فارسی و کرمانجی برای نامیدن خویشاوندان به کار می‌روند:

زبان اصلی	کرمانجی خراسانی	فارسی
کردی.	bira, biri	برادر
کردی.	birazi	برادرزاده
کردی.	birazın, xazur	برادرزن
کردی.	ti, biri mir	برادرشوهر
کردی.	biraxandar	برادرناتنی
کردی.	bav	پدر
کردی.	bavkal, bapır, bavgir	پدربزرگ
کردی.	xazur, xazu, xanzur	پدرزن
کردی.	xazur, xanzur	پدرشوهر
کردی.	law, lawik	پسر
کردی.	xanıg	خواهر
کردی.	xarzi	خواهرزاده

ترکی. <sup>۱</sup>	balduz	خواهرزن
گُردی.	xangi mir	خواهرشوهر
گُردی.	zava	داماد
عربی.	xal, xolo	دایی
۱. گُردی. ۲. ترکی. <sup>۲</sup>	1. kaŋik; 2. qizik	دختر
گُردی.	dı, daŋik, nanı	مادر
گُردی.	nanı, nanı gir, dapir	مادربزرگ
گُردی.	xasi	مادرزن
گُردی.	xasi	مادرشوهر
گُردی.	bav ʔandar	ناپدری
گُردی.	damar, damari; dı ʔandar	نامادری
مشترک میان گُردی و فارسی.	navi	نوه

از مجموع (۴۱) واژه گُرمانجی به کار رفته در فهرست فوق، تعداد (۳۶) مورد از آن‌ها گُردی است، (۱) مورد، مشترک و (۴) واژه دخیل است. بنابراین (۸۸٪) واژه‌ها، گُردی است، (۲٪) مشترک و (۱۰٪) دخیل است.

#### -طبیعت و پدیده‌های طبیعی

واژه‌های زیر، مجموعه‌ای از کلمات فارسی هستند که برای نامیدن برخی از پدیده‌های طبیعت به کار می‌روند. در مقابل آن‌ها واژه‌های معادل آن‌ها که در گُرمانجی خراسانی کاربرد دارد، آورده شده است:

زبان اصلی	گُرمانجی خراسانی	فارسی
گُردی.	ʔav	آب
۱. گُردی. ۲. مشترک میان گُردی و فارسی.	1. ʔavʃiruk; 2. ʔavʃar	آبشار
گُردی.	ʔar, ʔir	آتش
گُردی.	tav	آفتاب

۱- دکتر قدیر گلکاریان، فرهنگ لغات فارسی - انگلیسی - ترکی استانبولی، ص ۷۱۴

۲- حاج مراد دوردی قاضی، فرهنگ قاضی (فارسی - ترکمنی)، ص ۳۴۰. این واژه در زبان ترکی به شکل «قیز» تلفظ می‌شود.

کردی.	ʔawir	ابر
۱. عربی. ۲ و ۳. کردی.	1. famal, 2. ba, 3. kuhat	باد
مشترک میان کردی و فارسی.	barf	برف
مشترک میان کردی و فارسی.	tappah	تپه
کردی.	tiri, tuli	تگرگ
کردی.	1. bazu, 2. dulaba	تندباد
کردی.	1. daristan, 2. dʒangal	جنگل
کردی.	kani	چشمه
کردی.	ru	خورشید
۱. مشترک میان کردی و فارسی. ۲. کردی.	1. darʕa, 2. panav	دریا
۱. کردی. ۲. فارسی.	1. binda kiskı siwir, 2. rangin kaman	رنگین کمان
کردی.	kal	رودخانه
کردی.	ru	روز
کردی.	sıʕ	سایه
کردی.	ʔik, ʔik	ستاره
کردی.	kavir	سنگ
کردی.	ʃav	شب
کردی.	duman	شرجی
فارسی.	ʕax, ʕix	بخ
ترکی.	toz, tuz	گرد و غبار
کردی.	haʕv	ماه
کردی.	hivaruni, haʕvarwin	ماهتاب
کردی.	kamar, ʔiʕa	کوه

مجموع واژه‌های مورد استفاده در گرامنچی خراسانی در مقابل واژه‌های پرسیده شده (۴۱) واژه است که تعداد (۳۰) مورد آن‌ها کردی، (۳) مورد، فارسی، (۴) مورد، مشترک و (۲) واژه

دخیل است. بر این اساس، نسبت (۷۷٪) واژه‌ها گُردی است، (۸٪) واژه‌ها فارسی است، (۱۰٪) مشترک و (۵٪) دخیل است.

### غلات و حبوبات

کلمات زیر واژه‌های زبان فارسی است که برای نامیدن برخی از حبوبات و غلات به‌کار می‌رود. در مقابل واژه‌های فارسی، معادل آن‌ها در گُرمانجی خراسانی آورده شده است:

فارسی	گُرمانجی خراسانی	زبان اصلی
ارزن	?arzan; garis	مشترک میان گُردی و فارسی.
جو	dʒa	گُردی.
گندم	ganim	گُردی.
لپه	lappa	فارسی.
نخود	nixid;noxod	پهلوی.

مجموع واژه‌هایی که در گُرمانجی خراسانی برای نامیدن غلاتِ پرسیده شده به‌کار می‌رود (۶) واژه است که (۲) مورد از آن‌ها گُردی است، (۱) مورد، فارسی، (۲) واژه مشترک و (۱) واژه، از زبان‌های دیگر است. بر این اساس، نسبت هرکدام از واژه‌های گُردی و واژه‌های مشترک، (۳۳.۴٪) است و نسبت واژه‌های فارسی، (۱۶.۶٪) و واژه‌های دخیل (۱۶.۶٪) است.

### میوه‌ها و سبزیجات

فهرست زیر، واژه‌هایی را دربر دارد که در گویش گُرمانجی خراسانی برای نامیدن میوه‌ها و سبزیجات به‌کار می‌رود.

فارسی	گُرمانجی خراسانی	زبان اصلی
انار	nar	گُردی.
انجیر	?andzir	مشترک میان گُردی و فارسی.
انگور	tiro, turi	گُردی.
بادمجان	baʕimɔʒan, bawincan	مشترک میان گُردی و فارسی.
باقلی	baqali	مشترک میان گُردی و فارسی.
چغندر	fʕaxandir	مشترک میان گُردی و فارسی.
خریزه	kel	گُردی.

مشتک میان کردی و فارسی.	zardalu, zarduli	زردآلو
کردی.	siv	سیب
فارسی.	siv zamini	سیب زمینی
فارسی.	faftalu	شفتالو
فارسی.	falyam	شلغم
فارسی.	=	کاهو
کردی.	kindar, kindil	کدو
فارسی.	=	گل کلم
۱. کردی. ۲. فارسی.	1. hurmı, hirmi; 2. gulavi	گللابی
۱. روسی. ۲. کردی.	1., pamawir; 2. bawıncanı sur	گوجه
فارسی.	=	نارنگی
مشتک میان کردی و فارسی.	hulu, faft	هلو
ترکی. ۲	qarpuz	هندوانه
کردی.	gızar	هویج

از مجموع (۳۰) واژه فوق تعداد (۱۱) واژه آن کردی، (۷) واژه فارسی، (۹) واژه مشترک و (۳) واژه نیز از زبان‌های دیگر است. بر این اساس نسبت درصد واژه‌های کردی (۳۶.۶٪)، واژه‌های فارسی (۲۳.۳٪)، واژه‌های مشترک (۳۰٪) و واژه‌های دیگر (۱۰٪) است.

## ۶. نتیجه گیری

از بررسی نمونه آماری واژه‌های بررسی شده گُرمانجی خراسانی، این نتیجه حاصل شد که زبان فارسی در حیطه واژگانی، بر این گویش، تأثیرات اندکی گذارده و این گویش، اصالت زبانی خود را در برابر زبان معیار، حفظ کرده است و البته این اصالت، در حیطه آوایی و صرفی و نحوی بسیار بالا است. نتایج، نشان داد که تأثیر واژگانی زبان فارسی بر گویش گُرمانجی خراسانی در شاخص‌هایی نظیر «آجیل»، «اعضای بدن»، «جانوران» و «طبیعت و پدیده‌های

۱- ف.م. بوریسوف، قاموس عربی- روسی، ص ۹۷. تلفظ این واژه در روسی بدین شکل است:

| pomidory | помидоры

۲- حاج مراد دوردی قاضی، فرهنگ قاضی (فارسی- ترکمنی)، ص ۶۸۷

طبیعی» بسیار اندک بوده و زبان فارسی در خصوص «خویشاوندان» بی‌تأثیر بوده است. از مجموع ۳۴۲ واژه بررسی شده که در گویش گرمانجی خراسانی رایج است، تعداد ۲۳ واژه آن از زبان فارسی وام گرفته شده و غیر از واژه‌های مشترک که ۴۵ واژه است، ۲۴۸ واژه آن، گردی اصیل است و بقیه واژه‌ها نیز برگرفته از زبان‌های دیگر است. براین اساس، نسبت واژه‌های فارسی در گرمانجی خراسانی (۶.۷۲٪) است و واژه‌های گردی (۷۲.۵۱٪)، واژه‌های مشترک (۱۳.۱۵٪) و واژه‌های زبان‌های دیگر (۷.۶۰٪) است.

ذکر این نکته نیز لازم است که نتیجه این مقاله با توجه به جامعه آماری و افراد مصاحبه شده به دست آمده است و چنانچه جامعه آماری، گسترده‌تر بود، قطعاً تأثیر زبان فارسی بیشتر از آنچه در این مقاله آمده است می‌بود اما حجم مقاله اجازه آن را نمی‌داد که دامنه پژوهش، گسترده‌تر شود. لازم به ذکر است همان‌طور که در مقدمه اشاره شده، زبان بررسی شده از گویش‌ورانی گرفته شده که کمتر تحت تأثیر زبان فارسی بوده‌اند و گرمانج‌های خراسانی‌ای که تسلط بر زبان مادری خویش نداشتند مصاحبه نشده‌اند؛ این امر نیز باعث شده است تأثیر زبان فارسی بر گویش مذکور، کم‌رنگ‌تر جلوه کند.

نسبت تأثیر واژه‌های فارسی بر گویش گرمانجی خراسانی را در قالب جدول ذیل، می‌توان

مشاهده نمود:

شاخص‌ها	واژگان فارسی	واژگان گردی	واژگان مشترک	واژگان دخیل
آجیل	۸٪	۵۹٪	۲۵٪	۸٪
اعضای بدن	۴.۱۶٪	۸۱.۲۵٪	۴.۱۶٪	۱۰.۴۱٪
بیماری‌ها	۱۴٪	۷۹٪	۰٪	۷٪
پوشاک و لوازم آرایشی	۲۰٪	۶۴٪	۱۲٪	۴٪
جانوران	۴٪	۸۰٪	۸٪	۸٪
خویشاوندان	۰٪	۸۸٪	۲٪	۱۰٪
طبیعت و پدیده‌های طبیعی	۸٪	۷۷٪	۱۰٪	۵٪
غلات و حبوبات	۱۶.۶٪	۳۳.۴٪	۳۳.۴٪	۱۶.۶٪
میوه‌ها و سبزیجات	۲۳.۳٪	۳۶.۶٪	۳۰٪	۱۰٪

## منابع

- ۱- آژند، مهدی. (۱۳۸۱). بررسی و توصیف ساخت آوایی گویش قوچان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده). دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۷۷). دستور تاریخی مختصر زبان فارسی. چاپ اول. تهران: سمت.
- ۳- آرانسکی، ای. م. (۱۳۵۸). مقدمه فقه اللغة ایرانی. ترجمه کریم کشاورز (۱۳۵۸)، چاپ اول. تهران: پیام.
- ۴- اسدی مصطفی‌لو، علی. (۱۳۸۵). بررسی مقابله‌ای سطوح زبانی بین گویش گرمانجی و فارسی معیار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده). دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه اصفهان.
- ۵- امامی، حسن و سبزه، مهدی. (۱۳۹۲). مقایسه نظام آوایی گویش گرمانجی خراسانی و کردی ایلامی. مجله علمی پژوهشی فرهنگ ایلام، ۱۴ (۴۰)، ۶۸-۸۰.
- ۶- بوریسوف، ف. م. (۱۹۸۱ م). قاموس روسی - عربی (جلد ۱). الطبعة الثانية. بی‌جا: دار اللغة الروسية للنشر.
- ۷- بهار، محمد تقی. (۱۳۸۹). سبک‌شناسی (جلد ۱). چاپ دهم. تهران: امیرکبیر.
- ۸- تقوی گلیان، محمد. (۱۳۹۱). مقایسه نظام‌های حالت‌دهی گویش گرمانجی با فارسی معاصر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده). دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه بیرجند.
- ۹- توخدی، کلیم‌الله. (۱۳۵۹). حرکت تاریخی کرد به خراسان در دفاع از استقلال ایران (جلد ۱). چاپ اول. تهران: بی‌نا.
- ۱۰- چوپانی عسگرآباد، علی اکبر. (۱۳۹۰). بررسی ساخت دستوری گویش کردی گرمانجی قوچان از دیدگاه رده‌شناسی زبان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده). دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۱۱- حه‌مه خورشید، فؤاد. (۱۹۸۵ م). زمانی کوردی (دابه شبوونی جوگرافیایی دیالیکته کانی). چاپ اول. به‌غدا (بغداد): چاپخانه آفاق عربیه.
- ۱۲- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۶۳). امثال و حکم (جلد ۱). چاپ ششم. تهران: امیرکبیر.

- ۱۳- دو مورگان، ژاک. (۱۳۹۶). مطالعات زبان‌شناختی گویش‌ها در زبان کردی. ترجمه بهزاد هاشمی و آکو عباسی (۱۳۹۶)، چاپ اول، سقز: بیریار.
- ۱۴- رادویلسکی، م. ی. (۱۳۷۷). فرهنگ فارسی به روسی. چاپ دوم. تهران: گوتنبرگ.
- ۱۵- رضایی، جواد. (۱۳۸۸). بررسی مقابله‌ای نظام آوایی زبان فارسی و گرمانجی خراسان و کاربردهای آموزشی آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده). دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۶- قاضی، حاج مراد دوردی. (۱۳۸۲). فرهنگ قاضی (فارسی-ترکمنی). چاپ اول. مشهد: گل‌نشر.
- ۱۷- قنبری‌بگلر، جواد و دیگران. (۱۳۹۲). بررسی تفاوت‌های گویش گرمانجی بیگلر با گویش‌های گرمانجی مجاور، دوفصلنامه علمی- پژوهشی زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، ۵ (۸)، ۱-۱۹.
- ۱۸- کانار، محمد. (۱۳۷۴). فرهنگ جامع فارسی به ترکی استانبولی. چاپ اول. تهران: شیرین.
- ۱۹- گلکاریان، قدیر. (۱۳۸۰). فرهنگ رهنما (لغات فارسی-انگلیسی-ترکی استانبولی). چاپ اول. تهران: رهنما.
- ۲۰- مصطفوی گرو، حسین. (۱۳۸۶). بررسی تاریخی نظام آوایی گویش گرمانجی خراسان، مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ۴۰ (۴)، ۶۷-۳۳.
- ۲۱- مکنزی، د. ن. (۱۳۷۳). فرهنگ کوچک زبان پهلوی. ترجمه مهشید میرفخرایی. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۲۲- نجفی، ابوالحسن. (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی عامیانه. چاپ دوم. تهران: نیلوفر.
- 23- Asatrian, Garnik. (2009). Prolegomena to the Study of the Kurds. *Iran and the Caucasus*, 13, 1-58.
- 24- MacKenzie, D. N. (1966). The dialect of Awroman (hawraman- i- lhon) Grammatical sketch, texts and vocabulary. *Historisk-filosofiske Skrifter udgiver af Det Kongelige Danske Videnskabernes Selskab* 4 (3).
- 25- Schindler, H. (1884). Beitroge zum kurdischen wortschatz. *zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft*, 38, 43-116.
- 26- Ivanov. W. (1927). Notes on khorasani Kurdish. *Jornal and proceedings of the Asiatic society of bangal*, 67 (2), 143-158.

## **Lexical effects of Persian language Kurmanji Kurdish of Khorasan**

**Tavagh Ghaldi Gholshahi<sup>1</sup>**

**Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran**

Received: 26/06/2021      Accepted:20/09/2021

### **Abstract**

Persian language has been used in the vast country of Iran from long ago. This language has always attracted kings and courtiers because of its fluency, eloquence and simpleness; and it has always affected other Iranian languages. Kurdish is one of the Iranian languages which because of its closeness to Persian language and also because of formalness of Persian language in many of the Kurd-settled areas, like other Iranian languages, has received a lot of effects from Persian language. One dialect of Kurdish which has been used in a Persian-speaking environment and is more likely to be affected compared to other Kurdish dialects is Khurasani Kormanji Kurdish dialect which is a branch of northern Kormanji. The main subject in this survey is the study of lexical effects of Persian language on Khurasani Kormanji dialect, and the objective is to identify the quality and level of the effects of Persian language on Khurasani Kormanji dialect of Kurdish language. This survey uses field study and library research methods, and the used tools are questionnaires and interviews. By studying popular and highly-used Khurasani Kormanji words, it was concluded that Persian language has been effective on this dialect, but these effects have been few. Out of 342 studied words that are popular in Khurasani Kormanji dialect, 23 had been borrowed from Persian. On this basis, the ratio of Persian words in Khurasani Kormanji is 6.72%. In the study of popular expressions and phrases as well, it was concluded that some of the popular Persian expressions and phrases have directly entered Khurasani Kormanji dialect; in some cases, their translations have entered this dialect, and in some other cases, their Persian equivalents have entered Khurasani Kormanji dialect. In this way, 40% of the popular expressions and phrases have been borrowed from Persian language, and 60% of them are Kurdish.

**Keywords:** lexical effects, Persian language, Kurdish language, northern Kormanji, Khurasani Kormanji

---

1- tavagh.golshahi@gmail.com